



آداب بندگی ۱

۱۱۰ مسأله جدید و کاربردی احکام

طرح سنجش و ارزیابی دانش احکام شرعی
معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه سپاه
شمارگان: ۲۰۰؛ نوبت چاپ: پاییز ۱۴۰۳

فهرست مطالب

۲.....	سخنی با پاسداران عزیز.....
۵.....	احکام وضو.....
۱۱.....	احکام تیمم.....
۱۶.....	احکام غسل.....
۲۲.....	احکام نماز.....
۴۴.....	احکام خمس.....



سخنی با پاسداران عزیز

خداوند تبارک و تعالی هدف از خلقت انسان را عبادت خویش عنوان کرده و فرموده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات : ۵۶)؛ من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)!»

عبادت مطرح شده در این آیه فقط انجام مناسک نیست، بلکه؛ «عبودیت نهایت تسلیم در برابر ذات پاک خداوند و اطاعت بی قید و شرط و فرمانبرداری از او در تمام زمینه هاست.»^۱

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود که؛ خداوند در پاسخ حضرت آدم فرموده است: «همانا من جن و انس را آفریدم تا عبادتم کنند و بهشت را آفریدم برای کسی که اطاعت و عبادتم کند.»^۲

دستورات خداوند در قرآن بیان شده و توسط پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام تبیین گردیده است. این تبیین توسط علمای اسلام از میان کتب دینی استخراج شده و در قالب احکام دینی بیان شده است.

۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۳۸۷.
 ۲. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۹. إِنَّمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِيَعْبُدُونِ وَ خَلَقْتُ الْجَنَّةَ لِمَنْ أَطَاعَنِي وَعَبَدَنِي.

سخنی با پاسداران عزیز



۳

از این رو انسانی که می‌خواهد مسیر کمال را طی کند و از اولیاء طاغوت نباشد، باید به تکلیف الهی عمل نماید تا ضمن رشد و تعالی در دنیا، پاداش و رحمت و غفران الهی را در آخرت نسیب خود گرداند؛ زیرا مؤمنان واقعی حافظان حدود الهی هستند: «وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ». (توبه: ۱۱۲)؛ و حافظان حدود الهی، (مؤمنان حقیقی‌اند)؛ و بشارت ده به (این چنین) مؤمنان. برای انجام دستور الهی باید ابتدا دانست که آن فرمان چیست و در مسیر زندگی آن را چگونه به‌کار بست؟ به همین دلیل: «مسائلی را که انسان غالباً به آن‌ها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد.»، تا جایی که امام صادق علیه السلام فرموده است: «کاش تازیانه‌ها بر سر اصحاب من افراخته بود، تا این‌که در حلال و حرام تفقه کنند (و آن‌ها را درست و کامل و در ارتباط با هم بفهمند).»^۲

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «به خدا سوگند، اگر یک حدیث درباره حلال و حرام از فردی راستگو بیاموزی، برای تو بهتر است از آن چه خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند.»^۳ امام خامنه‌ای دامنه‌الله‌علیه هم در فرمایشاتی که برگرفته از متن روایات است، می‌فرمایند: «اگر می‌خواهید برکات خدا بر شما نازل شود، باید اخلاق اسلامی و احکام الهی را رعایت کنید.»^۴

۱. توضیح المسائل امام خمینی ره مسأله ۱۱. اکثر مراجع فتوایی نزدیک به همین مضمون دارند.

۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد. المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۲۹ ح ۱۶۵. لَيْتَ السَّيِّئَاتِ عَلَى رُءُوسِ أَصْحَابِي حَتَّى يَتَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق؛ ج ۲۷ ص ۹۸.

۴. فرمایشات در دیدار جمعی از روحانیون کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۷۲/۰۳/۱۷. دسترسی در نشانی:

و نیز فرموده‌اند: «بشر هر چه ناراحتی و رنج و دشواری تحمّل می‌کند، بر اثر دوری از راه خدا و سرکشی در مقابل احکام الهی است.»^۱

از طرفی بنا به مقتضیات زمان، مسائل جدیدی حادث می‌شود که لازم است مؤمن تکلیف مدار و وظیفه خود در قبال آن‌ها را بداند، برای انجام این مهم مراجع عظام با تسلطی که بر آیات، روایات، احکام اولیه و ثانویه دارند، در این موضوعات فتاوای جدیدی را بیان می‌کنند.

به دلایل بیان شده معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بر آن شد تا در طرح سنجش و ارزیابی دانش احکام شرعی عقیدتی سیاسی تعدادی از فتاوای جدید و برخی از مسائل پرتکرار و با اهمیت در حوزه وضو، تیمم، نماز و خمس را بر اساس فتاوای حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای دامت‌الرحمة (که مرجع تقلید اکثریت مطلق پاسداران عزیز هستند) را در این جزوه گردآوری نموده و در اختیار شما پیروان ولایت قرار دهد. امید است با مطالعه آن در عمل به فرامین الهی، بیش از پیش موفق باشیم. ان شاء الله

در پایان از مرکز تخصصی احکام شرعی (www.118ahkam.ir) با مدیریت حجت الاسلام سید اباصالح راجی که در تهیه و گردآوری این جزه آموزشی ما را یاری نموده‌اند تشکر و قدردانی می‌نماییم.

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سپاه

پاییز - ۱۴۰۳

۱. فرمایشات در پیام نوروزی، ۱۳۷۷/۰۱/۰۱. دسترسی در نشانی:

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2878>





احکام وضو

۱. وضو به قصد با طهارت بودن، از نظر شرعی مستحب و مطلوب است و خواندن نماز با وضوی مستحب جایز است.

همچنین مستحب است انسان در همه حال با وضو باشد؛ مخصوصاً در هنگام ورود به مسجد و مشاهد مشرفه و تلاوت قرآن و هنگامی که می‌خواهد بخوابد و بعضی اوقات دیگر.

۲. وضو گرفتن برای خواندن نماز واجب، اگر عرفاً نزدیک داخل شدن به وقت آن باشد اشکال ندارد.

۳. ترتیب وضو از این قرار است: شستشوی صورت از بالای پیشانی یعنی جایی که موی سر روئیده است تا سر چانه، سپس شستن دست راست از آرنج تا سر انگشتان، سپس شستن دست چپ از آرنج تا سر انگشتان، سپس کشیدن دست مرطوب بر روی قسمت جلویی سر، و در آخر کشیدن دست مرطوب بر روی هر دو پا از سر (یکی از) انگشتان پا، تا مفصل ساق پا. البته جلو انگشت پا که هنگام سجده روی زمین قرار می‌گیرد، جزو محدوده واجب مسح پا نیست.

۴. در صورت‌های پوشیده از مو، شستن روی موها کفایت می‌کند و لازم

نیست آب وضو را به پوست صورت برساند، مگر در جایی که مو به قدری کم پشت است که پوست صورت کاملاً دیده می شود.

۵. شستن صورت و دست ها:

بار اول: واجب؛

بار دوم: جایز؛

بار سوم و بیشتر؛ غیر مشروع (حرام) است.

لازم به توجه است، ملاک برای تعیین هر بار، قصد انسان است، پس اگر به قصد بار اول شستن، چند مرتبه آب بریزد اشکال ندارد.

۶. از آن جایی که مسح پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در کف دو دست باقی مانده صورت بگیرد، لذا هنگام مسح سر، بنا بر احتیاط واجب دست به قسمت بالای پیشانی نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند تا این که رطوبت دست که هنگام مسح پا به آن نیاز دارد با رطوبت صورت مخلوط نشود. همچنین اگر بعد از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن، دستش را روی شیری که خیس است بگذارد و آب وضوی دست با آب خارج از وضو، مخلوط شود صحت مسح با رطوبتی که مختلط از آب وضو و آب خارج است، محل اشکال می باشد.

۷. محل مسح باید خشک باشد یا به قدری تر نباشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند. بنابراین اگر چند قطره آب بر روی پا باشد واجب است محل مسح را از آن قطرات خشک کرد تا هنگام مسح، رطوبت دست بر پا تأثیر بگذارد نه برعکس، یا قسمتی از پا را مسح کند که قطرات آب نداشته باشد.





۸. شرایط وضو عبارتند از:

۸/۱. شرایطی که به وضو گیرنده برمی‌گردد:

الف) با قصد قربت وضو بگیرد. (نیت)،

ب) استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد. (مثل ضرر داشتن یا

ترس از مریضی یا تشنگی)

۸/۲. شرایطی که به آب وضو برمی‌گردد:

الف) آب وضو مطلق باشد،

ب) آب وضو پاک باشد،

ج) آب وضو مباح باشد. (غصبی نباشد)

۸/۳. شرایطی که به ظرف وضو برمی‌گردد:

الف) مباح باشد.

۸/۴. شرایطی که به اعضای وضو برمی‌گردد:

الف) پاک باشد،

ب) مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.

۸/۵. شرایطی که به کیفیت وضو برمی‌گردد:

الف) ترتیب را در شستن و مسح کردن‌ها رعایت کند (ترتیب)،

ب) کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد (موالات)،

ج) کارهای وضو را خودش در حال اختیار انجام دهد. (مباشرت)

۸/۶. شرایطی که به زمان وضو برمی‌گردد:



الف) به مقدار وضو و نماز وقت باقی باشد.

۹. اگر بعد از وضو شک کند آیا موضعی را که از قبل نجس بوده تطهیر کرده و سپس وضو گرفته یا نه، وضو صحیح است، ولی در هر صورت باید آن موضع را آب بکشد.

همچنین کسی که در کارهای وضو و شرایط آن، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می‌کند، باید به شک خود اعتنا نکند.

۱۰. چربی‌هایی که به طور طبیعی در مو و صورت به وجود می‌آید مانع محسوب نمی‌شود مگر آن که به حدی باشد که مانع از رسیدن آب به پوست و مو گردد.

همچنین جوهر در صورتی که دارای جرم بوده و مانع از رسیدن آب به پوست شود باعث بطلان وضو می‌شود و تشخیص این موضوع بر عهده مکلف می‌باشد.

۱۱. شک‌های در وضو از قرار ذیل است:

۱۱/۱. در اصل وضو:

الف) قبل از نماز: باید وضو بگیرد.

ب) در بین نماز: نماز او باطل است و باید دو باره وضو بگیرد و نماز را دوباره بخواند.

ج) پس از نماز: نمازی که خوانده صحیح است، ولی باید برای نمازهای دیگر وضو بگیرد.

۱۱/۲. در بطلان وضو^۳: بنا می‌گذارد که وضوی او باطل نشده است.

۱. شک دارد وضو گرفته یا نه.

۲. شک دارد نماز خوانده شده با وضو بوده یا نه.

۳. شک دارد وضویی که گرفته باطل شده یا نه.

احکام وضو

۱۱/۳. در صحت وضو: به شک خود اعتنا نکنند. (و بنا را بر صحت بگذارد)

۱۲. هر یک از مشترکین ساختمان‌های مسکونی و غیر مسکونی، از نظر



۹

شرعی به مقداری که از امکانات مشترک استفاده می‌کند، نسبت به هزینه خدمات (از قبیل هزینه آب سرد و گرم، تهویه، نگهبان و مانند آن) مدیون است، و اگر قصد پرداخت پول آب را نداشته باشد وضوی او محل اشکال بلکه باطل است.

شایان ذکر است استفاده از پمپ فشار آب به گونه‌ای که آب بیشتری در لوله‌های ساختمان بیاید بدون اجازه از سازمان مربوطه (سازمان آب) جایز نیست، و وضو و غسل با آبی که به وسیله پمپ به دست می‌آید، محل اشکال است.^۲

۱۳. دست زدن به خط قرآن بدون وضو حرام است و این امر، اختصاص به قرآن کریم ندارد، بلکه شامل همه کلمات و آیات قرآنی می‌شود، هر چند در کتاب دیگری یا در روزنامه، مجله، تابلو و غیر آن‌ها باشد.

همچنین بهتر است از مَسَّ اَسْمَاءِ جَلَالَه و اسامی انبیاء و معصومین علیهم‌السلام و القاب و کنیه آن‌ها بدون وضو اجتناب شود.

۱. پس از انجام وضو شک دارد وضویی که گرفته صحیح بوده یا نه.

۲. پرسش: سازمان آب، نصب پمپ فشار و استفاده از آن را ممنوع اعلام کرده است، ولی در برخی از محله‌ها فشار آب ضعیف است و ساکنان آن مجبورند که برای استفاده از آب در طبقات بالای ساختمان‌ها از پمپ فشار استفاده کنند، با توجه به این مسأله آیا نصب پمپ فشار آب جهت استفاده از آب بیشتر از نظر شرعی جایز است؟

پاسخ: در فرض سؤال، نصب و استفاده از پمپ فشار جایز نیست.

همچنین استفاده از روزنامه‌هایی که آیات قرآنی یا اسماء مبارکه در آن نوشته شده است در کارهایی، مثل پیچاندن غذا با آن یا نشستن بر آن و یا استفاده از آن به جای سفره و... اگر از نظر عرف بی‌احترامی شمرده شود جایز نیست، و اگر بی‌احترامی محسوب نشود اشکال ندارد.



۱۴. چیزی که با آن زخم و شکستگی را می‌بندند و دارویی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند "جبیره" نامیده می‌شود.

اگر در اعضای وضو زخم، سوختگی یا شکستگی باشد که روی آن بسته است و نمی‌توان آن را باز کرد، باید (با رعایت ترتیب از بالا به پایین)، جاهایی را که می‌شود شست، بشوید و روی جبیره را به جای شستن، دست‌تر بکشد و اگر در محل مسح است، باید روی جبیره را مسح کنید. به این وضو، «وضوی جبیره‌ای» می‌گویند.

۱۵. اگر در اعضای وضو (صورت و دست‌ها) زخم یا شکستگی است و روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید آن را بشوید، و اگر شستن آن مضر است باید اطراف آن را بشوید و احتیاط واجب آن است که اگر کشیدن دست‌تر بر آن ضرر ندارد دست‌تر بر آن بکشد.

اگر محل مسح، زخم است و نمی‌تواند روی آن، دست‌تر بکشد، باید به جای وضو، تیمم کند، ولی در صورتی که می‌تواند پارچه‌ای روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد احتیاط آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.



احکام تیمم

۱. مواردی که باید به جای وضو و غسل تیمم کرد:
 - ۱/۱. هنگامی که تهیه آب ممکن نباشد یا به این خاطر که آب وجود ندارد و یا این که آب هست، ولی مکلف به آن دسترسی ندارد، مثل این که آب در چاه است و او وسیله کشیدن آن از چاه را ندارد.
 - ۱/۲. هنگامی که آب برای سلامتی او مضر باشد.
 - ۱/۳. هنگامی که می‌ترسد اگر آب را مصرف کند، خود یا کسانش یا کسی که حفظ جانش بر او لازم است در تشنگی بمانند.
 - ۱/۴. هنگامی که بخواهد با آبی که در اختیار دارد بدن یا لباس خود را برای نماز تطهیر کند.
 - ۱/۵. هنگامی که استعمال آب یا ظرف آن بر او حرام باشد، مثل این که غصبی باشد.
 - ۱/۶. هنگامی که وقت نماز تنگ باشد و وضو و غسل موجب شود که همه‌ی نماز یا قسمتی از آن در خارج وقت واقع شود.
۲. هرگاه فردی جنب شود و وقت به مقداری که بتواند بدن و لباسش را

تطهیر کند، و یا لباس خود را عوض نماید نداشته باشد و به علت سردی هوا و مانند آن نتواند نماز خود را برهنه هم بخواند، باید نماز را با تیمم بدل از غسل جنابت با همان لباس نجس بخواند. این نماز مجزی (کافی) است و قضای آن بر او واجب نیست. همچنین کسی که در تنگی وقت، خوف آن را داشته باشد که در صورت غسل کردن یا وضو گرفتن، همه یا قسمتی از نمازش در خارج وقت واقع شود باید تیمم کند و نماز بخواند.

شایان ذکر است اگر تیمم بدل از غسل جنابت انجام داده باشد، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد. اما در تیمم بدل از غسل‌های دیگر (مثل غسل مس میت) باید برای نماز وضو بگیرد یا در صورت وجود عذر، تیمم دیگری بدل از وضو انجام دهد.

۳. تیمم بر هر آن چه از زمین محسوب شود، مانند؛ خاک، شن، ریگ، کلوخ (خاک‌های به هم چسبیده)، سنگ (سنگ گچ، سنگ آهک، سنگ سیاه و مانند آن) صحیح است و همچنین بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آن‌ها. شایان ذکر است تیمم بر سیمان و موزاییک اشکال ندارد، اگر چه احوط استحبابی ترک تیمم بر سیمان و موزاییک است.

۴. کیفیت تیمم عبارت است از:

۴/۱. نیت کردن.

۴/۲. زدن تمام کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.

۴/۳. کشیدن کف هر دو دست با هم به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی.



● احکام تیمم ●

۴/۴. کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست از مچ تا نوک انگشتان و به همین ترتیب، کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.

۴/۵. و بنا بر احتیاط واجب زدن بار دیگر دست‌ها به زمین و سپس کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست و کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.

۵. کسی که وظیفه‌اش تیمم است اگر محلی که باید بر روی آن مسح کند یا دستش که باید با آن مسح کند، به واسطه زخم و امثال آن بسته باشد، به همان ترتیب تیمم می‌کند یعنی محل زخم‌بندی شده را به جای پوست بدن قرار می‌دهد.

۶. شرایط تیمم از قرار ذیل است:

۶/۱. شرایط چیزی که بر آن تیمم می‌شود:

الف) پاک باشد.

ب) مباح باشد. (غصبی نباشد)

۶/۲. شرایط اعضای تیمم:

الف) مانعی در آن‌ها نباشد.

ب) بنا بر احتیاط مستحب پاک باشد.

۶/۳. شرایط کیفیت تیمم:

الف) پیشانی و دست‌ها را از بالا به پایین مسح کند.





ب) ترتیب را رعایت کند.^۱ (ترتیب)

ج) کارهای تیمم را پشت سر هم به جا آورد.^۲ (موالات)

د) کارهای تیمم را خودش در حال اختیار انجام دهد.^۳ (مباشرت)

۷. اگر چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است پیدا نشود باید به گرد و غباری که بر روی فرش و لباس و امثال آن نشسته است تیمم کند، و اگر آن نیز پیدا نشود ولی گل تر در دسترس باشد باید به آن تیمم کند، و در صورتی که به هیچ یک از این‌ها دسترسی نباشد. مانند کسی که در هواپیما و امثال آن است. بنابر احتیاط واجب باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.

۸. کسی که وظیفه اش تیمم است، بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند پیش از وقت نماز، برای نماز تیمم کند، ولی اگر برای کارهای واجب یا مستحبی قبل از وقت نماز تیمم کرده باشد و تا وقت نماز عذر او باقی بماند، می‌تواند با همان تیمم نماز بخواند.

شایان ذکر است کسی که می‌داند عذر او تا آخر وقت برطرف می‌شود

۱. تیمم را باید به ترتیبی که (در بحث کیفیت تیمم) گفته شد انجام دهد و اگر خلاف آن عمل کند باطل است.

۲. کارهای تیمم را باید پشت سر هم به جا آورد و اگر بین آن‌ها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می‌کند، باطل است.

۳. کارهای تیمم را باید خودش در حال اختیار انجام دهد و از دیگری کمک نگیرد و اگر به خاطر بیماری یا فلج بودن و غیره نمی‌تواند تیمم کند باید نایب بگیرد، و نایب باید او را با دست خود او تیمم دهد، و اگر این هم ممکن نباشد باید نایب، دست خود را بر زمین بزند و به پیشانی و پشت دست‌های او بکشد.

• احکام تیمم •

نمی‌تواند در اول وقت با تیمم نماز بخواند، بلکه باید صبر کند و پس از برطرف شدن عذر، با وضو یا غسل، نماز را به جا آورد.



۹. کسی که تیمم بدل از غسل کرده، اگر حدث اصغر از او سر بزند، مثلاً بول (ادرار) کند، تا زمانی که عذر شرعی مجوّز تیمم بر طرف نشده است بنا بر احتیاط واجب باید برای اعمال مشروط به طهارت، بار دیگر تیمم بدل از غسل نماید و وضو هم بگیرد و اگر معذور از وضو باشد باید تیمم دیگری بدل از آن نماید.

۱۰. اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری غیر از تنگی وقت، تیمم بدل از غسل کند، همه آثار شرعی غسل، بر آن تیمم نیز مترتب و جاری می‌شود، بنابراین با تیمم بدل از غسل جنابت، داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مس نوشته قرآن کریم و بقیه اعمالی که انجام آن‌ها مشروط به طهارت از جنابت است، اشکال ندارد.



احکام غسل

۱. غسل یعنی شستشوی تمام بدن از سر تا پا با شرایط و کیفیت خاص که چند قسم می‌باشد:

۱/۱. غسل‌های واجب:

الف) مشترک میان مردان و زنان:

اول) غسل جنابت.

دوم) غسل مسّ میّت.

سوم) غسل میّت.

چهارم) غسل واجب شده به سبب نذر و عهد و قسم.

ب) مخصوص بانوان:

اول) غسل حیض.

دوم) غسل نفاس.

سوم) غسل استحاضه.

۱/۲. غسل‌های مستحب:

الف) مانند غسل جمعه.

● احکام غسل ●

۲. غسل را به دو گونه می‌شود انجام داد:

۲/۱. ترتیبی: این که با ترتیب مخصوص بدن را بشوید، به این که ابتدا سر و گردن، بعد بنا بر احتیاط واجب تمام نیمه راست بدن و در آخر تمام نیمه چپ بدن را بشوید.

شایان ذکر است اگر غسل ترتیبی را بر خلاف ترتیبی که گفته شد به جا آورد. چه عمداً باشد و چه از روی فراموشی و چه به سبب ندانستن مسأله. باطل است.

۲/۲. ارتماسی: این که تمام بدن را یک باره در آب فرو ببرد به طوری که آب به همه جای بدن برسد.

۳. در غسل علاوه بر شستن بدن و موهای کوتاه که جزء بدن حساب می‌شود، بنا بر احتیاط واجب شستن موهای بلند نیز، لازم است. همچنین چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید بر طرف کند و اگر پیش از اطمینان به این که بر طرف شده غسل کند، غسل او باطل است.

۴. رو به قبله ایستادن در وقت غسل واجب نیست.

همچنین هنگام غسل لازم نیست اعضای بدن خشک باشد.

بنابراین شستن سر و بدن قبل از انجام غسل، اشکالی ندارد.

۵. پاک بودن بدن قبل از غسل:

۵/۱. غسل ترتیبی: هر قسمتی را که می‌خواهد شستشو بدهد، اگر نجس است باید قبلاً آن را آب بکشد، ولی پاک بودن تمامی بدن قبل از غسل واجب نیست، بنا بر این اگر عضو، قبل از غسل آن، تطهیر شده باشد، غسل





صحیح است، ولی اگر عضوِ نجس قبل از غسلِ آن تطهیر نشود، و با یک شستن بخواهد هم آن را پاک کند و هم غسل نماید، غسل باطل است.

۵/۲. غسل ارتماسی: باید قبل از انجام غسل، تمام بدن پاک باشد.

۶. غیر از غسل جنابت، سایر غسل‌ها کفایت از وضو نمی‌کند. و اما کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد و نماز و دیگر اعمالی را که باید با وضو انجام دهد، می‌تواند با همین غسل انجام دهد.

۷. تکلیف غسل و کفن در حق شهید ساقط است. منظور از شهید در این جا کسی است که در میدان جنگ به شهادت رسیده باشد، بنابراین اگر محورهای شهرهای مرزی، میدان جنگ بین دو گروه حق و گروه باطل و یاغی باشد، افرادی که از گروه حق در آنجا به شهادت می‌رسند حکم شهید را دارند، ولی افرادی که در غیر میدان جنگ کشته می‌شوند، هر چند اجر و ثواب شهید را دارند ولی حکم شهید در مورد آن‌ها جاری نمی‌شود.

۸. اگر کسی بدن انسان مرده‌ای را که تمام بدن او سرد شده ولی هنوز غسل داده نشده است، لمس کند یعنی جایی از دست و پا و صورت و سایر بدن خود را به هر جای بدن او برساند واجب است برای کارهایی که نیاز به طهارت از حدث اصغر دارد، غسل کند. مانند نماز، طواف واجب و مس آیات قرآن، این را «غسل مس میت» می‌نامند.

۹. انسان به یکی از دو چیز جنب می‌شود:

۹/۱. دخول و آمیزش جنسی به مقدار ختنه‌گاه. (به هر نحو که باشد، با حلال یا با حرام، منی بیرون بیاید یا نیاید بالغ باشد یا نباشد.)

● احکام غسل

۹/۲. بیرون آمدن منی. (چه در خواب و چه در بیداری، چه عمداً و چه بی‌اختیار.)

۱۰. هرگاه در اثنای غسل، حدث اصغری^۱ از او سر بزند (مثلاً بول کند) به صحت غسل ضرر نمی‌رساند و لازم نیست که غسل را از نو شروع کند و باید آن را ادامه دهد.

ولی چنین غسلی اگر غسل جنابت باشد مانند سایر غسل‌ها کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی‌کند.

۱۱. به‌طور کلی، عرق شخص جنب از حرام - نزدیکی حرام یا استمناء - نجس نیست، اما تا زمانی که بدن یا لباس، آغشته به عرق شخص جنب از حرام است و خشک نشده است، بنا بر احتیاط واجب، نماز صحیح نیست و منظور از جنب از حرام، شخصی است که از راه حرام جنب شده است و هنوز غسل نکرده است.

۱۲. اگر مانعی در اعضای وضو و غسل وجود داشته باشد به نحوی که مانع رسیدن آب شود هر چند کم باشد باید برای وضو و غسل رفع شود. و کسی که شک دارد چیزی که بر اعضای وضو است، جرم و مانع محسوب می‌شود یا نه، باید آن را برطرف کند؛ هر چند باید از دقت‌های عقلی که منجر به وسواس می‌گردد اجتناب شود.

شایان ذکر است اگر قبل از غسل مانعی بر روی بدن باشد ولی در مانع بودن

۱. مقصود از حدث اصغر، چیزهایی است که وضو را باطل می‌کند و منظور از حدث اکبر اموری است که موجب غسل می‌شود.



آن شک داشته باشد، در فرضی که قبل از غسل متوجه مانع مشکوک بوده، باید آن را برطرف کند و در صورت عدم برطرف کردن غسل صحیح نیست.

۱۳. کسی که غسل‌های متعددی، اعم از واجب یا مستحب بر ذمه او باشد، اگر به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد کافی است، و اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند از بقیه غسل‌ها هم کفایت می‌کند، اگر چه احتیاط مستحب این است که همه آنها را نیت نماید.

۱۴. اقسام شک در غسل از قرار ذیل است:

۱۴/۱. شک در انجام غسل^۱: برای اعمالی که مشروط به غسل است باید غسل کند، ولی نمازهایی که تاکنون خوانده صحیح است.

۱۴/۲. شک در صحت غسل^۲: به شک خود اعتنا نکند (و بنا بر صحت بگذارد).

۱۵. کارهایی که بر جنب حرام است:

۱۵/۱. مس خط قرآن و نام مبارک خداوند متعال.

۱۵/۲. ورود به مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله وسلم)، هر چند از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

۱۵/۳. توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در وارد و بدون توقف از در دیگر خارج شود مانع ندارد.

۱۵/۴. گذاشتن چیزی در مسجد.

۱. شک دارد که غسل کرده یا نه.

۲. پس از انجام غسل شک دارد غسلش صحیح بوده یا نه.



• احکام غسل

۱۵/۵. خواندن خصوص آیات سجده از سوره‌هایی که سجده واجب دارند، ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد.



۲۱

توجه: الف) حرم امامان معصوم (علیهم السلام) بنا بر احتیاط حکم مسجد را دارد.

ب) ورود جنب به داخل حرم امامزادگان (علیهم السلام) اشکالی ندارد.

ج) تکیه‌ها و حسینیه‌ها حکم مسجد را ندارند.

د) منظور از آیات سجده: آیه ۱۵ از سوره ۳۲ (سجده) و آیه ۳۷ از سوره

۴۱ (فصلت) و آیه ۶۲ از سوره ۵۳ (نجم) و آیه ۱۹ از سوره ۹۶ (علق)

می‌باشد که بر خواننده یا شنونده آنها واجب است سجده کند.



احکام نماز

* نمازهای واجب عبارت است از:

اول) نمازهای یومیه.

دوم) نماز طواف که پس از طواف واجب خانه کعبه خوانده می شود.

سوم) نماز آیات که هنگام خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی، زلزله و مانند آن‌ها خوانده می شود.

چهارم) نماز میت که بر بدن مسلمانی که از دنیا رفته، خوانده می شود.

پنجم) نماز قضای پدر و بنابر احتیاط واجب مادر که بر پسر بزرگ واجب است.

ششم) نمازی که به واسطه عهد، نذر، قسم و یا به واسطه اجاره، واجب است خوانده شود.

۱. وقت نماز صبح از هنگام طلوع فجر (فجر صادق)^۱ تا طلوع آفتاب است.

۱. فجر صادق در مقابل فجر کاذب است. فجر کاذب نوری است که مدتی قبل از طلوع فجر صادق در آسمان پدید می آید و به جای پهن شدن بر روی افق، به صورت عمودی به سمت بالا انعکاس می یابد. فجر صادق زمانی است که نور سفید متصل به سطح افق با روشنایی کم طلوع کرده و در افق پراکنده می شود و با گذشت زمان، شدت نور آن بیشتر می گردد. به دلیل ضعیف بودن فجر صادق، مشاهده آن نیازمند داشتن افق شرقی کاملاً باز و تاریک می باشد که در داخل شهرها رؤیت آن بسیار مشکل است. لذا با توجه به این که تشخیص دقیق طلوع فجر سخت است، برای رعایت احتیاط، حدود ده دقیقه بعد از شروع اذان از رسانه ها، نماز صبح خوانده شود.

• احکام نماز •

شایان ذکر است در تحقق طلوع فجر (ابتدای وقت فریضه صبح) فرقی بین شب‌های مهتابی و غیر مهتابی نیست؛ هر چند بهتر است نمازگزار در شب‌های مهتابی صبر کند تا سپیده صبح بر روشنایی مهتاب غلبه کند و سپس نماز بخواند.



۲۳

۲. برای خواندن نماز، مکلف باید یقین یا اطمینان کند که وقت داخل شده است یا دو مرد عادل خیر دهند که وقت داخل شده است و یا مؤذن مورد وثوق و وقت شناس اذان بگوید.

۳. مکلف باید نماز را به سمت کعبه بخواند که به این اعتبار به آن «قبله» می‌گویند. البته برای کسانی که از آن دورند و محاذات (رو برو بودن) حقیقی برای شان میسر نیست، همین اندازه که گفته شود به سمت قبله نماز می‌خوانند، کافی است.

۴. نمازهای مستحبی را می‌توان در حال راه رفتن یا هنگام سوار بودن بر وسیله نقلیه خواند و در این صورت لازم نیست که رو به قبله بودن رعایت شود.

۵. وجوب پوشش در نماز، اختصاص به حضور نامحرم در مکان نمازگزار ندارد، بلکه اگر کسی هم حضور نداشته باشد، پوشش شرط صحت نماز است.

شایان ذکر است در نمازهای مستحب نیز مانند نماز واجب، پوشش شرط صحت نماز است.

۱. چه نماز واجب و چه نماز مستحب؛ مگر نماز مستحبی در حال سواره و پیاده که توضیح آن در مسأله بعد بیان شده است.

* شرایط لباس نمازگزار:

- اول) پاک باشد.
- دوم) مباح باشد. (غصبی نباشد)
- سوم) از اجزای مردار نباشد.
- چهارم) از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد.^۱
- پنجم) لباس مرد از طلا نباشد.
- ششم) لباس مرد از ابریشم خالص نباشد.
۶. در چهار صورت اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز صحیح است:
- ۶/۱. خون زخم، جراحت و دمل.
- ۶/۲. خون کمتر از یک بند انگشت اشاره.
- ۶/۳. متنجس بودن لباس های کوچک.
- ۶/۴. اضطرار به پوشیدن لباس نجس.
۷. اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون زخم، جراحت یا دمل باشد، چنانچه آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم یا برای شخص او سخت و مستلزم حرج و مشقت است، تا وقتی که زخم، جراحت

۱. لباس نمازگزار نباید از اجزای حیوان حرام گوشت باشد؛ حتی اگر مویی از آن هم در لباس یا بدن نمازگزار باشد، نمازش باطل است. شایان ذکر است اگر رطوبت پاکی مانند آب دهان یا بینی از حیوان حرام گوشت؛ مانند گربه، بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز باطل است، مگر این که بعد از خشک شدن عین آن برطرف شود، همچنین اگر فضله پرندگان حرام گوشت بر بدن یا لباس باشد، نماز با آن باطل است ولی اگر بعد از خشک شدن از لباس یا بدن برطرف شود، نماز صحیح است.



• احکام نماز •

یا دمل خوب نشده است، می‌تواند با آن خون نماز بخواند. همچنین چرکی که با خون بیرون می‌آید یا دوایی که روی زخم می‌گذارند و نجس می‌شود، همین حکم را دارد.



شایان ذکر است خون بریدگی‌ها و زخم‌هایی که به زودی خوب می‌شود و ۲۵ شستن آن‌ها آسان است، این حکم را ندارد و نماز با آن باطل است.

۸. اگر مقداری از بدن یا لباس که معمولاً به رطوبت زخم آلوده می‌شود، به رطوبت آن نجس شود، نماز خواندن با آن اشکال ندارد، ولی اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد، با رطوبت زخم نجس شود و با آن نماز بخواند، نمازش باطل است.

۹. اگر بدن یا لباس نمازگزار به خونی غیر از آنچه در صورت قبل ذکر شد آلوده باشد، در صورتی که مقدار آن کمتر از یک بند انگشت اشاره باشد، (با شرایطی که گفته می‌شود) نماز با آن اشکال ندارد، ولی اگر به اندازه بند انگشت اشاره یا بیشتر از آن باشد نماز با آن باطل است.

شایان ذکر است صحت نماز با خون کمتر از بند انگشت اشاره، چند شرط

دارد:

۹/۱. رطوبتی از خارج به آن خون نرسیده باشد؛ مگر در صورتی که رطوبت با خون مخلوط شده و در آن مستهلک شود و مجموع آن‌ها هم بیش از اندازه مجاز نشود که در این صورت، نماز با آن صحیح است و در غیر این صورت نماز با آن بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست.

۱. یعنی غیر از خون زخم و جراحت و دمل که تطهیر آن مشقت دارد.



۹/۲. خون حیوان نجس العین (سگ و خوک) و حیوان حرام گوشت و مردار و انسان کافر نباشد.

۹/۳. خون حیض نباشد؛ اگر اندکی هم از آن خون بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز باطل است و بنابر احتیاط واجب خون نفاس و استحاضه نیز همین حکم را دارد.

۱۰. اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی به واسطه برخورد با خون، متنجس شود؛ مانند این که دست یا لباس نمازگزار که خیس است به خون خشک شده‌ای، برخورد کند و متنجس شود ولی عین خون منتقل نشود، اگرچه مقداری که نجس شده، کمتر از یک بند انگشت باشد، نمی‌توان با آن نماز خواند.

۱۱. اگر لباس‌های کوچک نمازگزار، مانند جوراب، دستکش و عرقچین که با آن‌ها نمی‌توان عورت را پوشاند و نیز انگشتر، دستبند و مانند آن، با نجاستی تماس پیدا کند و نجس شود، نماز با آن صحیح است. همچنین اگر اشیایی از قبیل دستمال، کلید و چاقوی نجس در نماز همراه انسان باشد، نماز با آن اشکال ندارد.^۱

شایان ذکر است در آغوش گرفتن کودکی که پوشکی دارد که یقیناً حاوی

۱. همراه داشتن عین نجس اگر در باطن بدن نمازگزار باشد مانند مرداری که آن را خورده است یا شرابی که نوشیده است، باطل کننده نماز نیست و اما حمل عین نجس در حال نماز مانند بند ساعت که از چرم مردار باشد و محمول متنجسی که با آن می‌شود عورتین را پوشاند مانند دستمال بزرگ، بنابر احتیاط واجب جایز نیست ولی همراه داشتن محمول متنجسی که نمی‌شود عورتین را با آن پوشاند مانند دستمال کوچک و کلید و چاقو و پول نجس، مانعی ندارد.

احکام نماز



۲۷

نجاست است، چنانچه نسبت به وجود نجاست در لباس و یا پوشک بچه یقین دارد، بنا بر احتیاط واجب برداشتن و در آغوش گرفتن او در حال نماز، جایز نیست؛ و در صورت بغل کردن بنا بر احتیاط نماز باطل است. اما اگر یقین به وجود نجاست ندارد، مانعی ندارد.

* شرایط مکان نمازگزار:

- اول) مباح باشد.
- دوم) بی حرکت باشد.
- سوم) توقف در مکان حرام نباشد.
- چهارم) از قبر پیغمبر (صلی الله علیه وآله) و امام علیه السلام جلوتر نباشد.
- پنجم) محل سجده پاک باشد.
- ششم) بین زن و مرد فاصله باشد^۱.
- ۱۲. لازم است که جای پیشانی نمازگزار از جای زانوها و سرانگشتان پای او، بیش از چهار انگشت بسته، بالاتر یا پایین تر نباشد.
- ۱۳. واجبات نماز یازده چیز است:

۱۳/۱. نیت.

۱۳/۲. قیام.

۱. بنا بر احتیاط واجب باید میان زن و مرد در حال نماز (در غیر مسجد الحرام) حداقل یک وجب فاصله باشد و در این صورت اگر زن و مرد محاذی یکدیگر بایستند یا زن جلوتر از مرد بایستد، نماز هر دو صحیح است و فرقی نمی‌کند که زن و مرد محرم باشند یا نامحرم.



۱۳/۳. تکبیرة الاحرام.

۱۳/۴. قرائت.

۱۳/۵. رکوع.

۱۳/۶. سجود.

۱۳/۷. ذکر.

۱۳/۸. تشهد.

۱۳/۹. سلام.

۱۳/۱۰. ترتیب.

۱۳/۱۱. موالات.

۱۴. بعضی از واجبات نماز «رکن» است؛ یعنی اگر در نماز انجام نشود یا بیش از مقدار واجب به جا آورده شود، حتی اگر از روی سهو و فراموشی هم باشد، نماز باطل می شود.

و بعضی «غیر رکن» است؛ یعنی اگر عمداً کم یا زیاد شود، نماز باطل است، اما کم و زیاد شدن سهوی آن، نماز را باطل نمی کند.

۱۵. ارکان نماز عبارت اند از:

۱۵/۱. نیت.

۱۵/۲. تکبیرة الاحرام.

۱۵/۳. قیام:

الف) هنگام تکبیرة الاحرام،



ب) و قبل از رکوع (قیام متصل به رکوع).

۱۵/۴- رکوع.

۱۵/۵- دو سجده.

۱۶. لازم نیست نیت را بر زبان جاری کرده و مثلاً بگوید: چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم قربۀ الی الله. همچنین لازم نیست آن را از ذهن یا دل بگذراند، بلکه همین اندازه که قصد انجام عمل را برای اطاعت از فرمان الهی داشته باشد کافی است.

۱۷. ایستاده بودن در حال تکبیرة الاحرام و نیز پیش از رفتن به رکوع، رکن است؛ یعنی اگر سهواً و از روی فراموشی هم ترک شود، نماز باطل می‌شود.

۱۸. قیام هنگام قرائت و تسبیحات اربعه و همچنین قیام بعد از رکوع، واجب غیر رکنی است؛ یعنی اگر عمداً ترک شود نماز باطل است ولی اگر سهواً باشد، موجب بطلان نماز نیست.

۱۹. کسی که حمد و سوره یا چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی‌داند و می‌تواند یاد بگیرد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد باید یاد بگیرد و اگر وقت تنگ است، در صورت امکان بنابر احتیاط واجب باید نمازش را به جماعت بخواند.

۲۰. کسی که قرائت یا ذکرهای نماز را اشتباه تلفظ می‌کرده؛ مثلاً کلمة «یُؤَلِّد» را به جای فتح لام به کسر لام می‌خوانده، در صورتی که جاهل مقصراً بوده،

۱. کسی که متوجه جهل خود بوده و راه‌های رفع جهالت خود را هم می‌داند ولی در آموختن احکام کوتاهی می‌کند.



بنابر احتیاط واجب نمازش باطل است و اگر جاهل قاصر^۱ بوده و با اعتقاد به صحّت، به صورت مذکور می خوانده است، نمازش صحیح است.

۲۱. اگر پس از وارد شدن در آیه ای، در صحّت آیه قبل آن شک کند، به شک خود اعتنا نکند. همچنین اگر پس از وارد شدن در جمله بعدی، شک در صحت جمله قبل کند، مانند این که هنگام گفتن «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» شک کند که «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» را صحیح ادا کرده یا نه، به شک خود اعتنا نکند. البته اگر آن چه را که در صحیح ادا کردن آن شک دارد، احتیاطاً دوباره بخواند، اشکال ندارد.

۲۲. در هر رکعت بعد از قرائت باید رکوع کرد؛ یعنی به اندازه ای خم شد که بتوان دست را بر زانو گذاشت و اگر سر انگشت ها هم به زانو برسد، کافی است. البته احتیاط واجب آن است که در حال رکوع، دست ها بر زانو گذاشته شود.

شایان ذکر است در رکوع هنگامی که ذکر واجب را می گوید، باید بدن آرام باشد، بلکه حتی در هنگامی که ذکرهایی را به قصد استحباب آن در رکوع می گوید، مانند تکرار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» و امثال آن، احتیاط واجب آن است که بدن را آرام نگه دارد.

۲۳. هنگام سجده پیشانی باید روی چیزی قرار گیرد که سجده بر آن صحیح است؛ از جمله: زمین، گیاهان غیر خوراکی^۲ و پوشیدنی که از زمین

۱. کسی که یا اصلاً متوجه جهل خود نیست و یا اگر متوجه است راهی برای برطرف کردن جهل خود ندارد.

۲. سجده بر چیزهایی که از زمین می روید و فقط خوراک حیوان است، مانند علف و کاه، صحیح است.

احکام نماز



۳۱

می‌روید؛ مانند سنگ، خاک، چوب، برگ درختان و مانند آن^۱، سنگ مرمر و دیگر سنگ‌هایی که جهت ساخت یا زینت بنا به کار می‌رود، عقیق، فیروزه، دُرّ، آجر، سفال، گچ، آهک و سیمان، گل‌هایی که خوراکی نیستند و نیز داروهای گیاهی که از زمین می‌روید و فقط برای معالجه بیماری‌ها به کار می‌آید، مانند گل ختمی و گل بنفشه^۲، کاغذی که از چوب و گیاه (غیر از کتان و پنبه) تهیه می‌شود.

البته نیکوترین سجده، سجده بر خاک و روی زمین است که نشانه خضوع و خشوع در برابر خداوند است و برای سجده هیچ خاکی در فضیلت به تربت مقدس سید الشهداء (علیه السلام) نمی‌رسد.

۲۴. اگر بین نماز چیزی که بر آن سجده می‌کند گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است در دسترس نباشد، چنانچه وقت نماز وسعت داشته باشد، باید نماز را بشکند و اگر وقت تنگ است، حکم آن مختلف است.^۳

۲۵. در هریک از چهار سوره سجده (الم تنزیل)، فصلت (حم سجده)، نجم و علق، یک آیه سجده واجب وجود دارد که اگر انسان آن را بخواند یا به آن گوش دهد، باید پس از پایان آیه فوراً سجده کند و اگر فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده را انجام دهد.

-
۱. ولی سجده بر چیزهای خوراکی و پوشیدنی، هر چند از زمین بروید، مانند گندم و پنبه و چیزهای معدنی که از جنس زمین محسوب نمی‌شود، مانند فلزات و شیشه و مانند آن صحیح نیست.
 ۲. سجده بر گیاهانی که در موارد غیر معالجه نیز برای خواص طبی‌شان به مصرف خوراکی می‌رسد، مثل خاکشیر و مانند آن، صحیح نیست.
 ۳. جهت اطلاع از تفصیل آن به کتاب آیین زندگی ۱ (احکام نماز و خمس)، ص ۷۷، م ۲۷۴، رجوع شود.

شایان ذکر است اگر هنگام خواندن آیه سجده واجب، آن را از شخص دیگری یا دستگاه ضبط و مانند آن گوش کند، باید دو سجده انجام دهد.

۲۶. اگر تشهد را فراموش کند و برای رکعت سوم بایستد:

۲۶/۱. اگر پیش از رکوع یادش بیاید: باید بنشیند و تشهد را بگوید و دوباره بایستد و تسبیحات رکعت سوم را مجدداً بگوید و نماز را ادامه دهد و پس از نماز برای ایستادن بی‌جا، بنابر احتیاط مستحب دو سجده سهو به جا آورد.

۲۶/۲. در رکوع رکعت سوم یا بعد از آن یادش بیاید: باید نماز را تمام کند و بعد از سلام، برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو به جا آورد و احتیاط واجب آن است که پیش از سجده سهو، تشهد فراموش شده را قضا کند.

۲۷. سلام آخرین جزء نماز است که با گفتن آن، نماز پایان می‌یابد. سلام واجب نماز این است که بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» و بهتر است اضافه کند «وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» یا بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ». و مستحب است پیش از دو سلام گفته شود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

۲۸. مبطلات نماز عبارتند از:

۲۸/۱. از بین رفتن یکی از شرایطی که باید در حال نماز رعایت شود.

۲۸/۲. باطل شدن وضو یا غسل.

۲۸/۳. رو گرداندن از قبله.





۲۸/۴. حرف زدن.

۲۸/۵. خندیدن.^۱

۲۸/۶. گریه کردن.^۲

۲۸/۷. به هم خوردن صورت نماز.

۲۸/۸. خوردن و آشامیدن.

۲۸/۹. شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند.^۳

۲۸/۱۰. کم و زیاد کردن ارکان نماز.

۲۸/۱۱. آمین گفتن بعد از حمد.

۲۸/۱۲. روی هم گذاشتن دست‌ها در جلوی بدن (تکتف).

* شک‌های غیر معتبر. (نباید به آن‌ها اعتنا کرد)

اول) شک در چیزی که محل آن گذشته است.

دوم) شک بعد از سلام.

سوم) شک بعد از وقت نماز.

۱. خنده عمدی و با صدا (فقهه) نماز را باطل می‌کند، اما خنده سهوی یا بدون صدا، نماز را باطل نمی‌کند. شایان ذکر است نمازگزاری که نمی‌تواند جلوی خنده‌اش را بگیرد، اگر از شدت خنده درونی، صورتش سرخ شود یا بدنش بلرزد، تا زمانی که صورت نماز به هم نخورده، نمازش صحیح است.

۲. گریه با صدا و عمدی برای امور دنیوی نماز را باطل می‌کند؛ ولی اگر از ترس خداوند یا برای امور اخروی باشد، اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است.

۳. در بخش شکایات بیان می‌شود.



چهارم) شک امام و مأموم.

پنجم) شک کثیر الشک.

ششم) شک در نمازهای مستحبی.

۲۹. شک^۱ در نماز بر سه قسم است:

۲۹/۱. شک در اصل نماز.

۲۹/۲. شک در اجزای نماز.

۲۹/۳. شک در رکعات نماز.

۳۰. اگر بعد از گذشتن وقت نماز، شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، لازم نیست نماز را بخواند. اما اگر پیش از پایان وقت نماز، شک کند که نماز خوانده یا نه، باید نماز را بخواند بلکه در صورت گمان به خواندن نیز باید آن را بخواند.

۳۱. اگر کسی در حال نماز شک کند یکی از کارهای واجب نماز را انجام داده یا نه، چنانچه وارد جزء بعدی نشده باشد، باید آن را به جا آورد و اگر وارد جزء بعدی (هرچند جزء مستحب) شده باشد، به شک خود اعتنا نکند.^۲

۳۲. اگر در تعداد رکعات نماز شک کند، مانند این که نداند سه رکعت

۱. شک به معنای تردید میان دو یا چند چیز به طور مساوی است به گونه ای که هیچ یک بر دیگری ترجیح ندارد و اگر یک طرف بر دیگری رجحان و مزیتی داشته باشد، طرف برتر، «ظن» (گمان) و طرف ضعیف تر «وهم» نامیده می شود.

۲. جهت اطلاع از تفصیل و فروع آن، می توانید به کتاب آیین زندگی ۱ (احکام نماز و خمس)، از ص ۹۶ تا ۹۸، از ۳۵۰ تا ۳۶۰ رجوع شود.

• احکام نماز



۳۵

خوانده یا چهار رکعت، باید ابتدا کمی فکر کند، اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کرد، مطابق همان نماز را ادامه دهد و نمازش صحیح است و اگر یقین یا گمان به یک طرف پیدا نکرد، طبق احکامی که در جای خود بیان شده است، عمل کند

* موارد وجوب سجده سهو

(اول) بین نماز، سهواً حرف بزند.

(دوم) در نماز چهار رکعتی، بعد از سجده دوم، شک کند چهار رکعت خوانده است یا پنج رکعت.

(سوم) تشهد را فراموش کند.

(چهارم) یک سجده را فراموش کند. (بنابر احتیاط واجب)

(پنجم) در جایی که نباید سلام نماز را بگوید، سهواً سلام دهد. (بنابر احتیاط واجب)

شایان ذکر است برای سجده سهو، باید بعد از سلام نماز، فوراً به نیت سجده سهو، پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بنابر احتیاط بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» سپس سر از سجده بردارد و دوباره به سجده رود و ذکر را تکرار کند و پس از آن تشهد بخواند و سلام دهد.

۳۳. نماز در سفر با هشت شرط قصر (شکسته) می شود، که عبارتند از:



۳۳/۱. مسافت شرعی^۱.

۳۳/۲. قصد پیمودن مسافت شرعی.

۳۳/۳. استمرار قصد. (منصرف نشدن از قصد مسافت شرعی یا تردید نداشتن در آن)

۳۳/۴. عبور نکردن از وطن یا تصمیم نداشتن بر ماندن ده روز در بین سفر.

۳۳/۵. معصیت نبودن سفر.

۳۳/۶. خانه به دوش نبودن.

۳۳/۷. شغل نبودن سفر.

۳۳/۸. رسیدن به حد ترخص^۲.

۳۴. ملاک محاسبه مسافت شرعی فاصله بین آخر شهر مبدأ و ابتدای شهر مقصد است؛ خواه شهر جزو بلاد کبیره باشد خواه نباشد.

شایان ذکر است اگر مقصد فردی خود شهر نیست بلکه مکان خاص و مستقلى در اطراف شهر است به طوری که از نظر عرف رسیدن به شهر، رسیدن به مقصد حساب نمی شود، بلکه ورود به شهر و عبور از آن، راهی برای رسیدن

۱. مسافتی که موجب قصر نماز می شود باید حداقل هشت فرسخ باشد، بنابر این اگر سفری کمتر از این مسافت باشد، نماز قصر نیست. شایان ذکر است مسافت شرعی (هشت فرسخ) که موجب قصر نماز می شود (به حسب تحقیقات انجام شده که موجب اطمینان است)، معادل با ۴۱ کیلومتر است، هر چند به صورت رفت و برگشت باشد؛ در این صورت نباید رفت آن از ۲۰.۵ کیلومتر کمتر باشد.

۲. بر اساس تحقیقات انجام گرفته ۱۳۵۰ متر پس از آخرین نقطه شهر، حد ترخص می باشد.

• احکام نماز •

به مقصد می‌باشد، مانند برخی دانشگاه‌ها یا پادگان‌ها یا بیمارستان‌هایی که در کنار شهر قرار دارند، در این صورت انتهای مسافت، مکان مورد نظر است، نه ابتدای شهر.



۳۷

۳۵. یکی از شرایط قصر نماز در سفر آن است که سفر شغل نباشد، بنابراین اگر سفر شغل باشد؛ خواه قوام شغل به سفر کردن باشد، مانند رانندگی یا خلبانی و خواه سفر کردن مقدمه شغل باشد، مانند سفر پزشک یا معلمی که برای شغلش سفر می‌کند، نماز در آن سفر تمام و روزه صحیح است.

البته برای تحقق سفر شغلی سه شرط لازم است:

۳۵/۱. قصد انجام سفر شغلی.

۳۵/۲. شروع سفر شغلی.

۳۵/۳. قصد استمرار سفر شغلی.

پس از تحقق شرایط فوق، از «اولین سفر شغلی» حکم سفر جاری است و نماز تمام و روزه صحیح است.

شایان ذکر است اگر شغل فردی سفر نباشد؛ هرچند سفرهای متعددی انجام دهد نمازش قصر است، خواه از ابتدا قصد سفرهای متعدد داشته باشد؛ مانند کسی که قصد می‌کند چهل جمعه برای زیارت، از تهران به مسجد جمکران برود یا بدون قصد و به طور اتفاقی سفرهای زیاد برود؛ مانند بیماری که برای معالجه ناچار شود مرتب به شهری سفر کند.

۳۶. معیار در شغل بودن سفر، "عرف" است و اگر در موردی صدق عرفی عنوان حرفه و شغل نسبت به سفر مشکوک باشد، نماز قصر و روزه باطل است.



۳۷. کسی که اشتغال به شغلی دارد که در سال یک بار به مدت مثلاً یک ماه طول می‌کشد؛ مانند کاروان‌دار حج، چنان‌چه بنا دارد "همه ساله" به این کار اشتغال داشته باشد، نمازش حتی در اولین سفر تمام است. ولی اگر قصد استمرار ندارد، نماز قصر است.

همچنین کسی که در بخشی از سال، سفر شغلی دارد و قصد و عزم او استمرار و انجام آن در هر سال است، مانند رانندگی در یک یا دو ماه از تابستان، سفرش حکم سفر شغلی را دارد و از سفر اول نمازش تمام است.

اما کسی که می‌خواهد فقط برای یک بار در بخشی از سال اشتغال به کاری داشته باشد و قصد استمرار آن را در سال‌های آینده ندارد، در صورتی که مدت اشتغال حداقل سه ماه به‌طور متعارف و مستمر باشد (یعنی فقط در ایامی که معمولاً تعطیل می‌کنند؛ مانند ایام تعطیل و عزاداری، تعطیل کند) نمازش حتی در سفر اول تمام است، ولی اگر مدت آن طولانی نباشد، مثلاً یک ماه می‌خواهد این کار را انجام دهد، صدق عرفی سفر شغلی واضح نیست و در صورت شک، نمازش قصر است.

شایان ذکر است کسی که سفر شغل اوست (خواه قوام شغل به سفر باشد یا سفر مقدمه شغل باشد)، اگر به "سفر غیر شغلی" برود، هر چند به محل شغلش باشد، نمازش قصر است.

۳۸. کسی که شغلش سفر است، اگر در وطن یا غیر وطن با قصد یا بدون قصد، ده روز توقف کند، در اولین سفر بعد از ده روز، نمازش قصر است. شایان ذکر است کسی که شغلش سفر است، در صورتی که ده روز در وطن

احکام نماز



۳۹

یا غیر وطن اقامت کند و بعد از آن به سفر غیر کاری برود؛ مثلاً به سفر زیارتی برود، بنا بر احتیاط واجب در سفر کاری بعد از سفر زیارتی نمازش را هم قصر و هم تمام بخواند.

۳۹. وطن دو گونه است:

الف) وطن اصلی.

ب) وطن اتّخاذی.

وطن اصلی مکانی است که انسان بخش عمده‌ای از اوایل زندگی (دوران کودکی و نوجوانی) را در آن جا رشد و نمو کرده باشد.^۱

و **وطن اتّخاذی** از جهت عرف مکانی است که انسان آن جا را به عنوان وطن و محل سکونت قرار داده است، در حالی که قبلاً وطن او نبوده است؛ خواه از وطن اصلی إعراض کرده باشد یا نه. اگر قصد دارد در جایی حدود ده سال بماند، بعید نیست عرفاً برای صدق وطن اتّخاذی کافی باشد.^۲

۴۰. جایی را که انسان برای مدت یکی دو سال برای زندگی انتخاب می‌کند، عرفاً وطن نیست؛ ولی مسافر هم بر او صدق نمی‌کند، بنابراین بدون قصد اقامت ده روز هم نمازش تمام است.

۱. شایان ذکر است مقدار زمان لازم برای تحقق وطن اصلی، موکول به نظر عرف است؛ مثلاً اگر ده سال اول زندگی را در جایی گذرانده است، از نظر عرف وطن اصلی صدق می‌کند و اگر یکی دو سال مانده باشد، وطن صدق نمی‌کند.

۲. لازم به ذکر است در صدق عرفی وطن اتّخاذی، صرف نیت کافی نیست، بلکه تحقق لوازم وطنیت نیز خصوصیت دارد؛ مانند اینکه با قصد توطن مدتی (مانند یکی دو ماه) در آنجا بماند و یا کارهایی را انجام بدهد که عادتاً انسان برای توطن در یک مکان آن کارها را انجام می‌دهد.



۴۱. اعراض از وطن (مانند تحقق وطن) امری عرفی است و به این معنا است که فرد از وطنش خارج شود و تصمیم داشته باشد برای زندگی به آن جا برنگردد.

لذا فردی که از وطن خود (اصلی یا اتخاذی) اعراض کرده، هرگاه بخواهد آن جا برود، نمازش قصر است چه آن جا ملک داشته باشد یا نه و در این صورت عبور از آن مکان موجب قطع سفر نمی شود؛ مگر آن که قصد ماندن ده روز را داشته باشد.

شایان ذکر است برای تحقق اعراض، قصد و نیت لازم است، بنابراین اگر بدون قصد اعراض برای مدتی مثلاً چهار پنج سال از وطن خارج شود، آن جا همچنان وطن او می باشد. البته اگر مدت خیلی طولانی؛ مانند چهل، پنجاه سال از وطنش خارج شده و در این مدت به ذهنش هم نیامده که به آن جا برگردد؛ در این صورت بعید نیست که ترک طولانی مدت در حکم اعراض باشد و نمازش در آن جا بدون قصد اقامت ده روز، قصر باشد.^۱

۴۲. اگر هنگام قصد اقامت تصمیم داشته باشد که در بین ده روز از محل اقامت خارج شود و به مسافتی کمتر از چهار فرسخ برود،^۲ در صورتی که قصد داشته باشد به مقداری خارج شود که عرفاً با ماندن ده روز در یک جا منافات ندارد؛ مانند این که بخواهد در این مدت دو سه بار و هر بار حداکثر

۱. لازم به ذکر است کسی که از وطنش خارج شده و قصد ندارد که برنگردد، ولی میدانند یا اطمینان دارد که برای زندگی به آنجا برنخواهد گشت، بعید نیست که این علم و اطمینان هم در حکم اعراض باشد، بنابراین در آنجا نمازش قصر است.

۲. یعنی قصد خروج به مقدار کمتر از مسافت شرعی مقارن با قصد اقامت ده روز است.

احکام نماز

به مدت نصف روز خارج شود، به قصد اقامت او خللی وارد نمی‌شود و نمازش تمام است.



۴۳. مسافری که قصد اقامت ده روزه دارد، اگر پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی یومیه به صورت ادا از قصدش برگردد یا مردّد شود، نمازش قصر است. اما اگر پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی یومیه به صورت ادا، تا زمانی که در آن مکان است، نمازش تمام است، حتی اگر از قصدش برگردد و نخواهد ده روز در آن جا بماند. اما اگر فقط نماز صبح یا مغرب خوانده و سپس منصرف شده، نمازش قصر است.

۴۴. حکم خواندن نماز تمام در جایی که وظیفه قصر است، از قرار ذیل است:

۴۴/۱. عمد: مسافری که می‌داند نماز در سفر با وجود شرایطی قصر است، همچنین می‌داند سفرش واجد آن شرایط است، در صورتی که نماز را تمام بخواند، نمازش باطل است و چه در وقت باشد و چه خارج از وقت باید آن را دوباره به صورت قصر بخواند.

۴۴/۲. جهل: اگر مکلف حکم نماز در سفر را می‌داند، ولی به دلیل جهل به خصوصیات حکم، نماز را تمام بخواند، در این صورت احتیاط واجب آن است که اگر در وقت متوجه شود، آن را اعاده و اگر بعد از وقت متوجه شود، آن را قضا کند؛ مانند این که می‌داند در سفر نماز قصر است، اما نمی‌داند بعد از قصد اقامت ده روز و قبل از خواندن یک نماز چهار رکعتی اگر از قصدش برگردد، نماز قصر است و نماز را تمام بخواند.



۴۴/۳. نسیان: اگر فراموش کند که مسافر باید نمازش را قصر بخواند یا فراموش کند که در سفر است و نمازش را تمام بخواند، چنانچه داخل وقت یادش بیاید، باید نماز را اعاده کند و اگر اعاده نکند، قضای آن واجب است، ولی اگر بعد از وقت متوجه شود، نمازش قضا ندارد.

۴۵. مسافری که وظیفه‌اش نماز تمام است، چنانچه برخلاف وظیفه نماز را قصر بخواند، نمازش باطل است و در این حکم تفاوتی میان علم، عمد، فراموشی و جهل به حکم یا موضوع نیست.

۴۶. نماز آیات با وجود یکی از چهار سبب زیر واجب می‌شود:

۴۶/۱. کسوف (خورشید گرفتگی) اگرچه مقدار کمی از آن گرفته باشد.

۴۶/۲. خسوف (ماه گرفتگی) اگرچه مقدار کمی از آن گرفته باشد.

۴۶/۳. زلزله.

۴۶/۴. هر حادثه غیر عادی آسمانی که باعث ترس بیشتر مردم شود، مانند بادهای سیاه و سرخ و صاعقه.

شایان ذکر است، در نماز آیات، بنا بر احتیاط واجب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را نمی‌توان یک قسمت از سوره به حساب آورد و با آن رکوع کرد.

۴۷. در نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:

۴۷/۱. مأموم جلوتر از امام نایستد و احتیاط واجب آن است کمی عقب‌تر بایستد.

۴۷/۲. مکان امام از مکان مأمومین بالاتر نباشد، البته اختلاف کم (کمتر از یک وجب) اشکال ندارد.

• احکام نماز •

۴۷/۳. فاصله میان امام و مأموم، همچنین فاصله بین صف‌ها زیاد نباشد.



۴۳

۴۷/۴. بین امام و مأموم، همچنین بین صف‌ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده و مانند آن بین صف مردان و زنان اشکال ندارد.

۴۸. نماز جمعه که در روز جمعه به جای نماز ظهر خوانده می‌شود، در عصر حاضر (زمان غیبت امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) واجب تخییری^۱ است و احتیاط مستحب آن است که در این زمان که حکومت عدل اسلامی در ایران برقرار است حتی المقدور نماز جمعه ترک نشود. شایان ذکر است شرکت نکردن در نماز جمعه به سبب اهمیّت ندادن به آن، شرعاً ناپسند است.

۴۹. بنابر احتیاط باید نمازگزاران به خطبه‌های امام گوش دهند و ساکت باشند و از حرف زدن پرهیزند.

۵۰. اگر مأموم به چیزی از خطبه‌های نماز جمعه نرسد، بلکه فقط هنگام نماز حاضر شود و به امام جمعه اقتدا کند، نماز او صحیح و مُجزی از نماز ظهر است، حتی اگر لحظاتی پیش از رکوع رکعت آخر نماز جمعه را درک کند، می‌تواند به نیت نماز جمعه اقتدا کند و رکعت دوم خود را مانند رکعت دوم نماز جمعه بخواند و این نماز از نماز ظهر کفایت می‌کند.

۱. معنای واجب تخییری این است که مکلف در ادای فریضة واجب ظهر روز جمعه، بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر مختیر است.



احکام خمس

۱. به هفت مورد خمس تعلّق می‌گیرد:

۱/۱. درآمد کسب و کار.

۱/۲. مال مخلوط به حرام.

۱/۳. معدن.

۱/۴. گنج.

۱/۵. جواهری که با غواصی به دست آمده.

۱/۶. غنیمت جنگی.

۱/۷. زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.

۲. هرگاه مکلف از راه فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، صنعت، کشاورزی، دریافت حقوق و اجرت، اجاره ملک و مانند آن مالی به دست آورد، باید در پایان سال خمسی، خمس مقدار مازاد بر مخارج خود و افراد تحت تکفلش را بپردازد.

۳. سال خمسی زمانی است که با انتهای آن باید خمس اموالش را محاسبه نماید، افرادی که درآمد شخصی هرچند به مقدار کم داشته باشند، خواه

• احکام خمس

مجرد باشند یا متاهل، واجب است سال خمسی داشته باشند و درآمد سالانه خود را محاسبه کنند تا اگر چیزی از درآمد تا پایان سال باقی ماند، خمسش را بپردازند.



۴۵

۴. ابتدای سال خمسی با تعیین از جانب مکلف مشخص نمی شود بلکه یک امر واقعی است که برای کسی که شغل او کاسبی است با شروع کاسبی و برای کشاورز با رسیدن وقت برداشت محصول و برای کارگر و کارمند با دستیابی به اولین درآمد آغاز می شود.

۵. حکم تعیین سال جداگانه برای هر مال از قرار ذیل است:
۵/۱. افراد شاغل:

الف) یک شغله: افراد شاغلی که فقط یک شغل دارند نمی توانند برای هر منفعت و سود کسب شان سال جداگانه ای در نظر بگیرند.
ب) چند شغله: افرادی که چند شغل متفاوت داشته باشند که حساب دخل و خرج هر کدام از هم جدا باشد، می توانند برای هر شغل سال جداگانه ای قرار دهند.

۵/۲. افراد غیر شاغل:

نمی توانند چند سال خمسی داشته باشند و تمام درآمدها یک سال خمسی دارد.

۶. سال خمسی را می توان قمری یا شمسی قرار داد و مکلف در انتخاب آن آزاد است. همچنین تعداد روزهای سال میلادی با سال شمسی یکی است؛ بنابراین همان روزی که بر اساس سال میلادی سال خمسی شما



است، همان روز از سال شمسی هم سال خمسی شما است؛ یعنی اگر مثلاً سال خمسی شما اول آوریل هر سال میلادی است، چون اول آوریل هر سال مصادف با دوازده فروردین است، سال خمسی شما به تاریخ شمسی دوازده فروردین هر سال خواهد بود و شما می‌توانید دوازده فروردین را سر سال خمسی خود حساب کنید.

۷. تقدیم سال خمسی به این‌که زودتر از سررسید سال خمسی، خمس را محاسبه کنید و همان زمان را سررسید جدید قرار دهید، اشکال ندارد.

۸. تأخیر در محاسبه خمس جایز نیست. اگر قصد دارید سررسید سال خمسی‌تان را تغییر دهید و بعد از سررسید فعلی قرار دهید، باید ابتدا در سر رسید موجود، محاسبه خمس را انجام دهید سپس بعد از آن در تاریخ مورد نظر مجدداً محاسبه خمس انجام دهید؛ در این صورت، سررسید خمس شما به تاریخ جدید تبدیل می‌شود.

۹. در صورتی که پس از پایان سال خمسی و حصول اولین درآمد در سال جدید، فاصله زمانی واقع شود می‌تواند مبدأ سال خمسی جدید را از تاریخ حصول اولین درآمد قرار دهد.

۱۰. تأخیر در پرداخت خمس جایز نیست و در صورت تأخیر بدون اجازه ولی خمس و یا نماینده ایشان علاوه بر این‌که مرتکب معصیت شده است لازم است بدهی خمسی بالحاظ تورم آن پرداخت شود.

۱۱. خمس باید هر چند با واسطه - به ولی امر خمس تحویل و قبض مهور به مهر او دریافت شود و بین سهم امام علیه السلام و سهم سادات تفاوت نیست. و

• احکام خمس

به طور کلی مصرف خمس - سهم سادات و امام (علیه السلام) - باید با اجازه ولی امر خمس باشد.^۱



۴۷

۱۲. در صورتی که مکلف توان پرداخت خمس را داشته باشد، قابل امهال نیست و باید فوراً پرداخت کند و اگر توان پرداخت نداشته باشد، هر زمان و به هر مقدار که امکان پرداخت پیدا کردد بپردازد. البته تأخیر در پرداخت خمس به مقداری که عرفاً صرف مال در آن، مثل صرف در مؤونه سال محسوب شود، اشکال ندارد، مثلاً امروز سال خمسی فرد فرا رسیده و او نیاز دارد تا وسیله ای برای مایحتاج زندگی خود تهیه کند، یا این که بدهی خود را پرداخت کند؛ در این صورت مجاز است قبل از دادن خمس، آن وسیله را خریداری کرده یا بدهی خود را بدهد.

۱۳. اموالی که خمس ندارد:

• درآمدهای غیر کسبی.

• مؤونه.

• مال مخمس.

• تورّم.

توضیح:

۱۳/۱. درآمدهای غیر کسبی: به طور کلی درآمدهای غیر کسبی خمس

۱. به طور کلی مصرف خمس - سهم امام علیه السلام و سهم سادات - در اختیار ولی امر خمس است و هر نوع مصرف باید با اجازه ایشان باشد.

۲. منظور تا پنج روز بعد از سال خمسی است که توضیح بیشتر در مسأله بعد خواهد آمد.



ندارد، از جمله درآمدهای غیر کسبی عبارتند از: ارث، مهریه، شیربها، دیه، درآمد حاصل از فروش خون یا اعضای بدن، هدیه (پاداش پایان خدمت، جایزه، جهیزیه، سوغاتی، عیدی، بعضی از اقسام کارانه، حکمت کارت^۱)، نفقه، یارانه و...^۲

۱۳/۲. **مؤونه:** مؤونه دوگونه است: مؤونه زندگی، مؤونه کسب و کار. مخارج و هزینه‌هایی که فرد برای گذران زندگی خود و افراد تحت تکفلش مصرف می‌کند، متعلق خمس نیست.

الف) مؤونه با شرایط زیر خمس ندارد:

اول) با درآمد و منافع بین سال باشد؛ واقعی بوده و صوری نباشد. دوم) مورد نیاز فعلی باشد؛ مطابقت با شأن عرفی و اجتماعی داشته باشد.

سوم) به قصد تجارت خریداری و نگهداری نشده باشد؛ در حرام مصرف نشود. (اعم از اسراف و غیر اسراف).

چهارم) در کالاهای مصرفی تا سر سال یا چند روز بعد از سال خمس مصرف شود و در کالاهای غیر مصرفی و ثابت استفاده شود یا در معرض استفاده باشد.

ب) بعضی از مصادیق مؤونه از قرار ذیل است:

۱. مبالغ و ارزیابی در حکمت کارت، اگر هدیه باشد و در مقابل کار پرداخت نمی‌شود، اجناس خریداری شده با آن خمس ندارد.

۲. جهت اطلاع از توضیحات بیشتر و تفصیلی در این مورد، به کتاب آیین زندگی ۱، بخش دوم: خمس، مبحث دوم: مستثنیات خمس، مورد اول: درآمدهای غیر کسبی، از ص ۲۰۲ تا ۲۰۷ مراجعه نمایید.

• احکام خمس



۴۹

اول) منزل جهت سکونت.

دوم) خانه‌ای که سکونت ندارد؛ ولی مورد نیاز و در شأن اوست.^۱
سوم) پول پیش پرداخت برای خرید مسکن؛ مشروط بر آن که تهیته
زمین برای ساخت مسکن مورد نیاز، متوقف بر پیش پرداخت
مقداری از پول آن باشد.

چهارم) ماشین، موتور، دوچرخه جهت استفاده شخصی و
خانوادگی.

پنجم) لوازمات منزل؛ مثل ظروف، البسه، لوازمات گرمایشی و
سرمايشی و...

ششم) خرید زمین یا باغ تفریحی.

هفتم) زیورآلات.

هشتم) حیوانات (مانند پرنده، مرغ و خروس، گاو و گوسفند برای
استفاده شخصی یا آکواریوم ماهی و...)

نهم) کلکسیون (اشیائی که به صورت کلکسیونی جمع‌آوری
می‌شوند)؛ مانند سگه، اسکناس، تمبر و غیره.

دهم) باقیمانده مواد مصرفی (مانند قلم، دفتر، روغن، صابون و... که
در سررسید سال خمسی باقی مانده و مصرف نشده است) مشروط

۱. به طور کلی سکونت شرط نیست، بلکه اگر مورد نیاز و در شأن او بوده است، مثونه محسوب می‌شود و در فرض فروش بعد از سال خمسی، پول آن خمس ندارد، ولی مبالغ اجاره جزو درآمد سال است که اگر تا پایان سال در مثونه مصرف نشود، مشمول خمس است.



بر آن که به مقدار نیاز خریداری شده و کمتر از آن به فروش نمی‌رسد.

یازدهم) لوازم التحریر.^۱

دوازدهم) داروی اضافی؛ مشروط بر آن که لازم باشد دارو در اختیار بیمار بوده تا در صورت نیاز بدون تأخیر از آن استفاده کند، یا خرید کمتر از آن ممکن نیست.

سیزدهم) باقیمانده شارژ در کارت تلفن، سیم‌کارت اعتباری، اینترنت؛ مشروط بر آن که به مقدار متعارف و مورد نیاز، خریده شده باشد و مقدار باقیمانده مالیت به مقداری که عرفاً قابل فروش است، نداشته باشد.

چهاردهم) صدقات و حقوق شرعیته.

پانزدهم) جهیزیه (که پدر برای دخترش به تدریج تهیّه می‌کند)؛ مشروط بر آن که تهیّه آن به صورت مذکور متعارف باشد.

شانزدهم) پس‌انداز مقداری پول برای پیشامدهای احتمالی؛ چنان چه با دادن خمس، مقدار باقیمانده کفایت نمی‌کند و نگرانی شخص برطرف نمی‌شود.^۲

۱. البته لوازم التحریر مصرفی که از مصرف سال اضافه آمده باشد و قابلیت خرید و فروش داشته باشد، خمس آن باید پرداخت شود.

۲. شایان ذکر است، پس‌انداز درآمد متعلق خمس است؛ البته پس‌انداز مقداری پول برای پیش‌آمدهای احتمالی چنان‌چه با دادن خمس مقدار باقیمانده کفایت نمی‌کند و نگرانی شخص برطرف نمی‌شود، خمس ندارد؛ هر چند احتیاط این است که پس از رفع نگرانی (با حصول درآمد جدید) خمس مقداری که مصرف نشده پرداخت شود.

• احکام خمس

هفدهم) آخرین حقوق سال؛ چنانچه با پرداخت خمس، باقیمانده آن کفاف مخارج ماه آینده را نکند و نگرانی شخص برطرف نشود. هجدهم) مؤونه کسب درآمد.



تذکر:

مراد از مخارج سال علاوه بر آنچه انسان برای کسب در آمد خرج می‌کند، تمام هزینه‌های مشروعی است که در حد متعارف و متناسب با شأن زندگی او است.

۱۳/۳. مال مخمس: درآمدی که یک بار خمس آن داده شد، اگر

به عنوان سرمایه قرار نگیرد، مجدداً خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

۱۳/۴. تورم: تورم در برخی موارد خمس ندارد، مثلاً فردی سرمایه‌ای

داشته است که خمس آن را پرداخت کرده یا متعلق خمس نبوده است

چنانچه سرمایه در سررسید سال خمسی ترقی داشته، ترقی قیمت

چنانچه به مقدار تورم باشد، خمس ندارد.

شایان ذکر است معیار محاسبه نرخ تورم مراجع قانونی اعلام نرخ تورم است،

تورم را می‌توانید از سایت رسمی مرکز آمار و یا بانک مرکزی و یا شماره ۱۲۹ قوه

قضاییه جویا شوید.

۱۴. خمس قرض از قرار ذیل است:

۱۴/۱. قرض دهنده: قرض دهنده اگر مال قرض را از درآمد سالیانه

کارش و قبل از پرداخت خمس آن قرض داده است، در صورتی که بتواند

تا آخر سال قرضش را از بدهکار بگیرد، واجب است که هنگام رسیدن



سال خمسی اش خمس آن را بپردازد و اگر نتواند قرض خود را تا پایان سال بگیرد فعلاً پرداخت خمس آن واجب نیست؛ لیکن هر وقت آن را وصول کرد باید فوراً خمس آن را بدهد؛ ولی اگر بخواهد سر سال خمسی از محل دیگری خمس آن را پرداخت کند اشکال ندارد و می‌توان خمس آن را با درآمد جاری پرداخت کرد؛ ولی اگر با درآمد جدید خمس را پرداخت نماید، باید یک چهارم پرداخت نماید.^۱

۱۴/۲. قرض گیرنده: خمس مالی که قرض یا وام گرفته شده است واجب نیست، البته اقساط وام یا قرض پرداخت شده، صورت‌های مختلفی دارد:

الف) قرض یا وام پس‌انداز شود: در این صورت به مقدار اقساطی که پرداخت شده است باید در سررسید، خمس آن محاسبه شود.

ب) قرض یا وام تبدیل به سرمایه و ابزار کار شود: در این صورت به مقدار اقساطی که از قرض یا وام پرداخت شده است، به همان نسبت به قیمت روز از سرمایه باید خمسش محاسبه شود.^۲

ج) قرض یا وام صرف در نیاز زندگی و مؤونه زندگی شود: خمس ندارد، هر چند اقساط پرداخت شده باشد.

۱۵. خمس پول پیش (رهن) برای مالک و مستأجر، از قرار ذیل است:

۱۵/۱. مالک: مبلغ قرض الحسنه، خمس ندارد.

۱. توضیح و شرایط قاعده ربح (یک چهارم) در فصل قواعد خمس، قاعده سوم خواهد آمد.
 ۲. مثلاً اگر یک سوم بدهی را در سررسید پرداخت کرده‌اید باید یک سوم سرمایه یا ابزار کار به قیمت روز، خمسش محاسبه شود.

• احکام خمس

۱۵/۲. مستأجر: اگر مستأجر توان پرداخت اجاره کامل را ندارد یا موجر نمی‌پذیرد، به مقدار پولی که برای اجاره مسکن مطابق شأن، باید طبق قرارداد اجاره به موجر قرض دهد، خمس تعلق نمی‌گیرد و احکام مؤونه را دارد.

۱۶. پس‌انداز مسکن کارکنان که از فیش کم شده و الان به صورت یکجا پرداخت شده، سه صورت دارد:

۱۶/۱. اگر این مبالغ بدون اختیار از حقوق کسر می‌شود: جزو درآمد سال وصول است که اگر تا سر سال خمسی (سال وصول) صرف در مؤونه نشود، خمس دارد.

۱۶/۲. اگر با توافق از حقوق کسر می‌شود و قابل دریافت است: باید در پایان هر سال خمسی، خمس آن پرداخت شود.

۱۶/۳. اما اگر قابل دریافت نیست: زمانی که پرداخت شد باید بلافاصله خمس مقداری که قبلاً سال بر آن گذشته است پرداخت شود و مقداری که مربوط به سال اخیر بوده، جزو درآمد سال وصول است.

۱۷. پس‌انداز تسری که در فیش حقوقی است و پس‌اندازی برای تأمین بازنشستگی افراد است، اگر با اجازه فرد از حقوق کسر می‌شود و قابل برداشت نیز باشد، سرسال خمسی مشمول خمس است، ولی اگر قابل وصول نیست، به محض این‌که قابل وصول شود، باید خمس آن فوراً پرداخت گردد.

۱۸. قواعد خمس از قرار ذیل است:

۱۸/۱. قاعده کسر (نحوه محاسبه بدهکاری‌ها در خمس)



اگر فرد بابت مؤونه (زندگی یا تحصیل ربح) خود بدهکار گردد (با وجود شرایطی که در ادامه بیان خواهد شد) در پایان سال معادل مقدار بدهی هایش، معاف از خمس می‌گردد.^۱



* شرایط اعمال این قاعده:

- الف) بدهی برای مؤونه (زندگی یا تحصیل ربح) باشد.
 - ب) ایجاد بدهی مذکور و حصول درآمد (درآمدی که از پرداخت خمس آن معاف می‌شود) مربوط به یک سال خمسی باشد. (هر دو تقارن سالی داشته باشند)
 - ج) بدهکار شدن بابت مؤونه بعد از حصول اولین درآمد شغلی در سال جدید خمسی باشد.
- ۱۸/۲. قاعده جبر:

اگر مکلف مال مخمس و یا در حکم مخمس داشته باشد و آن را در مؤونه (زندگی یا تحصیل ربح) مصرف کند یا آن که سرمایه‌ای را که از مال مخمس یا در حکم مخمس داشته است خسارت ببیند و یا افت قیمت داشته باشد با وجود شرایطی می‌تواند معادل آن را از درآمد سال جبران نماید که به آن قاعده جبر می‌گویند.^۲

۱. جهت اطلاع از توضیحات بیشتر و تفصیلی در مورد این قاعده، به کتاب آیین زندگی ۱، بخش دوم: خمس، مبحث پنجم: قواعد خمس، مورد اول: قاعده کسر، از ص ۲۳۱ تا ۲۳۵ مراجعه نمایید.

۲. جهت اطلاع از توضیحات بیشتر و تفصیلی در مورد این قاعده، به کتاب آیین زندگی ۱، بخش دوم: خمس، مبحث پنجم: قواعد خمس، مورد دوم: قاعده جبر، از ص ۲۳۵ تا ۲۴۲ مراجعه نمایید.



* شروط اجرای قاعده جبر در غیر سرمایه:

- الف) آن مال مخمس یا در حکم مخمس در مؤونه مصرف شده باشد.
 - ب) مصرف مذکور و درآمد جبرانی مربوط به یک سال خمسی باشد.
 - ج) مصرف آن مال، بعد از حصول اولین درآمد سال جدید باشد.
- ۱۸/۳. قاعده ربع:

اگر مکلف بخواهد خمس سال یا سال‌های قبل را با درآمد سال بعد پردازد، باید بر مبنای یک چهارم (ربع)، خمس پردازد که به آن قاعده‌ی ربع می‌گویند.

* توضیح قاعده ربع:

خمس هر سال از درآمد همان سال پرداخت می‌شود، در صورتی که به هر دلیل بخواهید خمس سال قبل را از درآمد سال بعد پردازید، باید در پایان سال خمسی، خمس مقداری را که بابت خمس سال قبل پرداخت کرده‌اید، نیز پردازید یا ابتدا خمس درآمد جدید را پردازید، سپس با درآمد خمس داده شده، خمس سال قبل را پردازید.^۱

۱۹. صرف عدم توانایی یا دشواری پرداخت خمس، موجب سقوط تکلیف نمی‌شود؛ در هر حال، خمسی که بر عهده مکلف واجب شده است، باید پرداخت شود؛ در صورت عدم توان، به تدریج و بر حسب توان مالی در اولین فرصت پرداخت شود.

۱. جهت اطلاع از توضیحات بیشتر و تفصیلی در مورد این قاعده، به کتاب آیین زندگی ۱، بخش دوم: خمس، میحث پنجم: قواعد خمس، مورد سوم: قاعده ربع، از ص ۲۴۳ تا ۲۴۹ مراجعه نمایید.

آداب بندگی ۱

۲۰. ابزار کسبی که خمس آن داده شده است تا زمانی که فروخته نشود، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و در صورت فروش، قیمت آن . پس از کسر قیمت محمّس و توّرم آن . جزو درآمد سال فروش است.

